

صفویه و جشن تقدیس آب ارمنیان نویسنده: دکتر شکوه اعرابی هاشمی

پس از آنکه شاه عباس به سلطنت رسید (۹۹۶ق/۱۵۸۷م) با ادامه تاخت و تازهای عثمانی به ایران و نا توانایی نظامی ایران در رویارویی با آنها تصمیم به انعقاد عهدنامه صلح استانبول (۹۹۹ق/۱۵۹۰م) با عثمانی ها گرفت تا موقتاً حملات آنها را متوقف سازد و سپس، در زمان مناسب، به لشکرکشی و تصرف مناطق اشغالی بپردازد اما به رغم این چاره اندیشی ها در جنگی که در ۱۰۱۲ ق/ ۱۶۰۴م علیه عثمانی ها آغاز کرد به دلیل ناتوانی نظامی مجبور به عقب نشینی و کوچاندن سکنه ارمنستان به داخل ایران شد. به این ترتیب، پس از پایان جنگ، ارمنیان ناگزیر در شهرها و مناطق مختلف ایران سکنی گزیدند که از مهم ترین آنها شهرک جلفای نو در حومه اصفهان بود. به دلیل اهمیت تجاری و سیاسی جلفای نو در گسترش روابط ایران با اروپا شاه عباس امتیازات ویژه ای برای ارمنیان، به ویژه، اهالی جلفا قائل شد، از جمله صدور اجازه برگزاری جشن تقدیس آب که خود نیز شخصاً برای ایجاد روابط نزدیک و دوستانه با ارمنیان در آن شرکت کرد. جشن تقدیس آب یا خاچ شویان همه ساله در ۶ ژانویه، عید تولد و غسل تعمید حضرت مسیح (ع)، برگزار می شود. در این روز، ارمنیان صلیبی را در آب فرو می برند و تعمید می کنند و چون در زبان ارمنی خاچ به معنی صلیب است به این مراسم جشن تقدیس آب یا خاچ شویان و عید اپیفانی نیز می گویند.

از دست اول ترین و مفصل ترین گزارش هایی که از این مراسم در دست است گزارش پیتر دلاواله، گردشگر معروف ایتالیایی، است که بین سال های ۱۰۲۶-۱۰۳۲ ق/ ۱۶۱۷-۱۶۲۳م؛ یعنی، در ایام حکومت شاه عباس اول در ایران به سر می برده و از نزدیک با مهاجران ارمنی در ارتباط بوده. دلاواله اطلاعات با ارزشی درباره این مراسم در سفرنامه خود ارائه داده است:

((از آغاز ماه ژانویه (۱۶۲۰م/۱۰۲۹هـ) شاه عباس بزرگان ارمنیان را احضار کرد و به آنان گفت که به تماشای مراسم خاچ شویان آن سال خواهد رفت و تأکید کرد که مخصوصاً تشریفات آن سال را بیشتر و مجلل تر کنند. اهالی جلفا نیز به خاطر فرمان وی تا آنجا که میسر بود بر شکوه و جلال آن مراسم افزودند.

((از بامداد روز ۶ ژانویه/۱۰ صفر ۱۰۲۹ هـ به فرمان شاه یساولان تمام راه هایی را که به چهارباغ منتهی می شد و تمام پل هایی را که به جلفا راه داشت گرفتند تا جز اعیان و سران دولت کسی سواره از آنجا عبور نکند و ترتیب حرکت و دسته های کشیشان و مراسم و تشریفات عید به سبب آمد و شد مردم مختل نشود. پس از آن، همه بانوان با دوستان و خویشاوندان، در لباس هایی گران بها که مزین به جواهر و سنگ های قیمتی بود، با نظم و ترتیب خاص، جلوی در خانه هایی که به رودخانه [زاینده رود] مشرف بود بر سر راه شاه قرار گرفتند. دسته ای از زنان مسلمان اصفهان و محله عباس آباد نیز کمی دورتر زیر دست بانوان جلفایی ایستاده بودند به طوری که جلوی در هر خانه لااقل پانزده تا بیست زن با جام های پر از آب و شراب دیده می شدند. بالاخانه ها، راهروها و نشیمن های اطراف هر خانه را با فرش های قیمتی آراسته بودند. سایر بانوان جلفا نیز با لباس های فاخر برای تماشا گرد آمده بودند. کشیشان که تعدادشان بیش از چهارصد نفر بود با خاچ ها، زنگ های نقره و شمع های بلند در گوشه ای ایستاده و میهمانان خارجی و جمعی از نزدیکان شاه و سران دولت نیز گرد آمده بودند. خلیفه بزرگ ارمنه با خلیفه کشیشان کارملیت و چند کشیش از سایر فرق مسیحی بر سر راه شاه در محل خاصی به انتظار نشستند. مراسم خاچ شویان در برابر شاه برگزار شد. کشیشان نخست مقداری روغن متبرک در آب ریختند و دعا خواندند. سپس، تمام خاچ ها را در آب فرو بردند و چند تن برهنه خود را به رود افکندند. با آنکه باران باریدن گرفته بود شاه از جای نجنبید و با جمعی از میهمانان گرجی و عیسوی شروع به صحبت کرد و چون باران همچنان می بارید و کوچه ها گل آلود شده بود شاه به خانه کلانتر جلفا خواجه صفر رفت و در آنجا از وی پذیرایی شد...)) [1].

گارسیا د سیلوا فیگوئرا، سفیر اعزامی اسپانیا به دربار شاه عباس، از فرقه اگوستین، که تقریباً هم زمان با پیتر دلاواله در ایران به سر می برده در سفرنامه خود به یکی دیگر از مراسم تشریفات تقدیس آب در کنار رودخانه زاینده رود در ۱۶۱۸ م/ ۱۰۲۷ ق با حضور نماینده شاه و داروغه اصفهان اشاره کرده و نوشته:

((ارمنیان جشن تولد حضرت مسیح را بر اساس استخراج تقویم قدیم برپا می کنند و از این گذشته، بر حسب عادت و سنت تشریفات آب مقدس را، که در کلیسای لاتین روز شنبه عید پاک هنگام عصر انجام می گیرد، در همان روز جشن تولد مجری می دارند. در این روز همه کسانی که در محلات شهر اصفهان منزل دارند و همچنین مهاجرین ایرانی و جلفایی به محل جشن، کنار رودخانه زاینده رود، می آیند)) [2].

دن گارسیا که خود نیز با همراهانش در این مراسم شرکت کرده ادامه می دهد:

((تشریفات تقدیس آب در کنار رودخانه انجام گرفت. عده زیادی از ارمنی ها از صبح زود با بدن لخت و عور خود را تا شکم در آب قرار داده بودند. برای این منظور با شکستن یخ های عظیم بدین ریاضت سخت، که دشوارترین نوع توبه و انابه است، تن در داده بودند. اهمیت کار در این بود که بعید می نمود مقدسین بدان ریاضت جان سالم به در برند. سرانجام، بعد از خواندن سرود، حرکت دسته جمعی و توأم با آواز به سوی کلیسای بزرگ آغاز شد. صلیب ها را در جلو حرکت می دادند. همگان آهنگی واحد سر داده بودند و سنج زنان سنج های خود را به صدا در آورده بودند چنان که اروپاییان سخت تحت تأثیر قرار گرفته بودند. بسیاری از ایرانیان در دشت، کوی ها یا پنجره های خانه های زیبای ارامنه، که سقف ها و دیوارهایشان نقوش زیبا داشت، تماشاگر این تشریفات بودند. داروغه یا قاضی دیوان جزای اصفهان همراه انگلیسی ها در یکی از مهتابی ها به تماشا ایستاده بودند. زن های ارمنی که معمولاً بیش از زن های ایرانی در ملای عام دیده نمی شوند و اگر از خانه خارج گردند، صورت های خود را با روسری چنان می پوشانند که نمی توان آنها را از زنان دیگر تمیز داد در این روز گروه گروه با صورت کاملاً باز دیده می شوند)) [3].

دن گارسیا در جای دیگر از سفرنامه خود می نویسد:

((جای تعجب بود که اگر چندین کلیسا بارها به وسیله ایرانی ها و ترک ها غارت شده بود چگونه ارامنه بیچاره چنین ثروتی سرشار را، که حداقل آن یکصد عدد صلیب نقره و همین تعداد ظرف های سیمین بود، حفظ کرده اند)) [4].

علاوه بر گزارش های گردشگران اروپایی در یادداشت های ارمنی [5] نیز به کرات این جشن توصیف شده است؛ مثلاً، در یادداشتی مورخ ۱۶۰۷ م/۱۴ ق آمده:

((ارمنیانی که به ایران کوچانیده شدند در همه جا کلیسا ساخته و به طرز باشکوهی تزیین کرده اند. منادیان کلیسا با صدای بلند آواز سر می دادند و مردگان را با درفش منقوش به صلیب، پوشیدن ردای کشیشی و خواندن سرود روحانی با صدای بلند به خاک می سپردند و در روز عید ظهور عیسی مسیح، مراسم تبرک آب را چنان با جرئت و شهامت انجام می دهند که در روزگار گریگور منور و تیرداد پادشاه ارمنستان می کردند. بیش از دویست کشیش به لباس آراسته بودند و بیش از هشتاد علم منقوش به صلیب برافراشته بودند تا همه اقوام ببینند. کشیش ها با نوای سنج و خواندن سرود روحانی با صدای بلند همراه بزرگان و کدخدایان ارمنی به طرف رودخانه می رفتند. بیش از صد هزار نفر از فارس ها، فرنگیان، هندیان، کردها و دیگر اقوام در مراسم حضور داشتند)) [6].

در متون رسمی صفوی، تنها در تاریخ عباسی، اثر ملاجلال الدین منجم یزدی، اشاره ای مختصر به شرکت شاه عباس در مراسم خواجه شویان [خاچ شویان] در ۱۶۱۰ م/۱۷ ق شده است [7].

سئوالی که در اینجا مطرح است آنکه هدف و انگیزه شاه عباس از شرکت در چنین مراسمی چه بوده ؟

به نظر می رسد وی بیش از همه درصدد راضی نگه داشتن پیروان ادیان مختلف از جمله مسیحیان متمول جلفا از طریق در پیش گرفتن سیاست تسامح و تساهل نسبت به مقدسات مذهبی آنان بود تا بتواند از وجودشان در توسعه مبادلات سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپایی استفاده کند.

پس از درگذشت شاه عباس اول، سام میرزا، فرزند صفی میرزا، تنها فرد باقی مانده از نسل پسری شاه عباس، پس از کشتن پدرش به سلطنت رسید (۱۰۳۸ ق/۱۶۳۲ م) و نام پدر را بر روی خود گذاشت و به شاه صفی شهرت یافت. به رغم آنکه منابع تصویری تیره و تار از حکومت شاه صفی ارائه داده اند روابط او با ارمنیان به دور از هرگونه خشونت بود اما متأسفانه در منابع مختلف هیچ توصیفی از حضور شاه صفی در جشن آب در دست نیست و تنها ژان باتیست تاورنیه، سیاح معروف فرانسوی، که افزون بر نه بار طی سال های ۱۶۳۱-۱۳۶۹ م/۱۰۴۱-۱۰۷۸ ق از ایران دیدن کرده، است در سفرنامه خود آورده: ((در مراسم تشریفات عید نوئل شاه صفی شرکت کرد)) [8]. اولناریوس، مستشار و دبیر اول سفارت، اعزامی از طرف فریدریک سوم، شاهزاده شلسویک هلشتاین، به دربار شاه صفی که شاهد برگزاری این مراسم با تشریفات زیبایی در حضور حاکم شماخی به تاریخ ۶ ژانویه ۱۶۳۷ م/۱۰۵۷ ق بوده، می نویسد: ((پس از آنکه خان ما را دوستانه پذیرفت، دستور داد که ارامنه مراسم تغسیل را نه بر اساس خواسته خود بلکه با رضایت و میل خان آغاز کنند)) [9]. اولناریوس در سفرنامه خود مراسم خاچ شویان ارمنیان شماخی را مفصلاً به شرح زیر آورده است:

((این جشن در خارج شهر و کنار پلی که بر روی رودخانه زده شده است برگزار می شود و خان شخصاً مایل است که در این مراسم شرکت کند و چنانچه فرستادگان نیز خواسته باشند که این مراسم را تماشا کنند برای آنان جای مناسبی در نظر گرفته شود. تعداد زیادی ارمنی از دهات و اطراف جمع شده بودند و با تصاویر بسیار از صلیب و پرچم ضمن اجرای مراسم مذهبی دیدنی در حالی که سرود می خواندند و زنگ می زدند از شهر بیرون رفتند و به طرف رودخانه حرکت کردند. این عده به وسیله تعداد زیادی از سربازان خان همراهی می شدند. خان در کنار رودخانه درست روبه روی محل اجرای مراسم خیمه ای زیبا و دراز برپا کرده بود. کف خیمه با قالی مفروش بود و برای صرف نهار آماده کرده بودند، ضمناً در این ضیافت می بایست انواع و اقسام شعبده بازی و تردستی انجام گیرد. خان در کنار خود، طرف چپ فرستاده روس و در اطراف اصیل زادگان و خدمه بارگاه را نشانده بود. در اثنایی که کنار ساحل رودخانه قرائت از روی کتاب مقدس شروع شده بود چهار ارمنی با بدن عریان به درون آب پریدند و یخ نازکی را که بر روی آب بسته بود شکستند و چند لحظه شنا کردند. در طول اجرای مراسم، شعبده بازی انجام می گرفت. پس از قرائت یک ساعته اسقف و آواز خواندن جمعیت در حالی که سنج نیز آنان را همراهی می کرد اسقف کمی روغن متبرک را در آب ریخت و سپس، صلیب نقره ای کوچکی را که، جواهرنشان بود، در آب فرو برد بعد، عصای خود را روی آب نگه داشت و به آن دعا خواند. چند لحظه بعد، ارمنی ها از آب رودخانه برداشتند و نوشیدند و صورت خود را با آن شستند، چند جوان حتی به آب پریدند. اکثر آنان فقط به خود آب می پاشیدند و چند تن از نوکران خان با ملاقه به سوی آب رفتند و پس از پر کردن آنها به کشیش و مردم آب می پاشیدند به طوری که آنها را خیس کردند، مخصوصاً زنان ارمنی، که با ترس بسیار به آب نزدیک شده بودند تا از آن بردارند، از رفتار خشن نوکران خان در امان نبودند...)) [10].

کاری از دیگر جهانگردان معروف ایتالیایی که کاتولیک مذهب است در این خصوص می نویسد:

((روی زاینده رود چوب بستی درست می کنند و با فرش های متعدد آن را می پوشانند و به صورت کلیسای کوچکی در می آورند. قبل از طلوع آفتاب همه کشیشان و کارکنان کلیسا و ارامنه اطراف اصفهان با لباس فاخر و نو و پرچم ها و صلیب ها در آنجا گرد می آیند، نخست صلیب بزرگ را سه بار در آب فرو می برند. سپس، مقداری روغن مقدس به رودخانه می ریزند، البته همه این کارها با ذکر ادعیه ای همراه است. آنگاه نوبت به کودکان نوزاد می رسد کشیش یک یک آنها را روی دست خود می گیرد و در حالی که دعای مخصوص غسل تعمید را بر زبان خود جاری می سازد آنها را در آب سرد رودخانه فرو می برد)) [11].

در مجموع می توان نگرش پادشاهان صفوی را نسبت به ارمنیان از نحوه برگزاری مراسم خاچ شویان و شرکت و عدم شرکت آنان در این مراسم دریافت. چنان که گفته شد شاه عباس نه تنها در جشن خاچ شویان شرکت می کرد بلکه چنان علاقه مندی ای نسبت به این مراسم نشان می داد که به منزله میزبان و بانی جشن رفتار می کرد. این مسئله در زمان شاه صفی هم تا حدودی رعایت می شد اما شرکت شاه سلیمان در جشن خاچ شویان ۱۶۸۳ م/ ۱۰۹۴ ق به انگیزه بودن زنان ارمنی برای حرمسرای خود بود. انگلبرت کمپفر سوئدی که در این زمان با هیئتی به ایران آمده بود می نویسد:

((در این مورد کلانتر جلفا که علی رغم اسم مسیحی خود مردی از خدا بی خبر بود مقدمات کار را فراهم کرد و به شاه توصیه نمود که در جشن "خاچ شویان"، که درخشان ترین جشن کلیسای شرقی است، از موقع برای پیش بردن نقشه خود استفاده کند و برای اینکه هیچ جلب توجهی نشود شاه نمی بایست شخصاً در کنار رودخانه که محل برگزاری جشن بود حاضر شود)) [12].

از زمان شاه سلطان حسین هم گزارشی از کرنلیوس دو بروین، جهانگرد و نقاش چیره دست هلندی برجای مانده. دو بروین زمانی که در اصفهان و در کاروان جده اقامت داشته به همراه تنی چند از همراهانش و مترجمی به نام شاهد [13] به محل تشریفات، جلفا، آمده و در این جشن شرکت کرده. او نیز درباره این مراسم نوشته که ارمنیان مانند روس ها تعمید صلیب را به جای ۱ ژانویه در ۶ ژانویه انجام می دهند [14]. در اواخر حکومت صفویه وضعیت ارمنیان نسبت به گذشته بدتر شد و امتیازاتی که شاهان صفوی برای آنان قائل شده بودند تقلیل رفت. این نکته را می توان از چگونگی اجرا و محدودیت برگزاری مراسم جشن تقدیس آب یا خاچ شویان دریافت.

منابع:

- اولتاریوس، آدام. سفرنامه. ترجمه حسین کردبچه. تهران: شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹، ج ۱ و ۲.
 تاورنیه، ژان باتیست. سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. با تجدید نظر حمید شیرانی، تهران، بی نا، ۱۳۳۶.
 فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول. تهران: علمی، ۱۳۶۴، ج ۵.
 فیگوئرا، دن گارسیا د سیلوا. سفرنامه. ترجمه غلامرضا سمعی. تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.

کارری، جملی. سفرنامه. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. [بی جا]: اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۸.
کمپفر، انگلبرت. سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهاندار، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
هوانسیان، آشوت؛ هاگوپیان، وازگن. یادداشت های کتب خطی ارمنی در قرن ۱۷ م. ایروان: [بی نا]، ۱۹۷۴، ج ۳.
منجم یزدی، ملاجلال الدین. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: وحید، ۱۳۶۶.

Brun, Cornelius de, The Travels of Cornelius de Burn.London:[s.h.], 1737.

پی نوشت ها:

1- نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، (تهران: علمی، ۱۳۶۴)، ج ۳، ص ۵۰ — ۱۱۴۰ به نقل از متن ایتالیایی سفرنامه دلاواله، ج ۵، ص ۵۲—۳۵.

مطالب مذکور در ترجمه فارسی سفرنامه پیترو دلاواله که شعاع الدین شفا آن را برگردانده ذکر نشده اما در ترجمه جدید محمود بهفروزی چاپ انتشارات قطره، ج ۲، ص ۹۵۳ به تفصیل آمده است.

2- دن گارسیا د سیلوا یگوئرا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۳۱۸.

3- همان جا.

4- همان، ص ۳۱۷.

5- یادداشت های کتب خطی ارمنی در قرن ۱۷ م دست نوشته هایی است از عموم ارمنیان که در حاشیه کتاب های مذهبی یادداشت می شده و دو محقق ارمنی معاصر، آشوت هوانسیان و وازگن هاگوپیان، آنها را در سه مجلد بر حسب ترتیب زمانی در ایروان به چاپ رسانده اند.

6- آشوت هوانسیان و وازگن هاگوپیان، یادداشت های کتب خطی ارمنی در قرن ۱۷ م، (ایروان: بی نا، ۱۹۷۴)، ج ۱، ص ۲۵۷.

7- ملاجلال الدین منجم یزدی، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا، (تهران: وحید، ۱۳۶۶)، ص ۳۵۶.

8- ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر حمید شیرانی (تهران: بی نا، ۱۳۳۶)، ص ۴۲.

9- آدام اولئاریوس، سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه (تهران: شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹)، ص ۶۴.

10- همان، ص ۶۴-۶۶.

11- جملی کارری، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ (بی جا: اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۸)،

ص ۱۰۵

12- انگلبرت کمپفر، سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهانگردی (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳)، ص ۶۲.

13- Sahid

14- Brun, Cornelius de, The Travels of Cornelius de Burn(London: s.h.,1737),P.259